

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وزارت علوم تحقیقات و فناوری

دانشگاه بین‌المللی امام خمینی



IMAM KHOMEINI
INTERNATIONAL UNIVERSITY

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه فلسفه

تکنولوژی در فلسفه‌ی هایدگر

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته فلسفه

دکتر محمد حسن حیدری

استاد راهنما :

دکتر سید مسعود سیف

استاد مشاور :

مسعود دودانگه

نگارنده :

اسفند ۱۳۹۰

بسمه تعالی

دانشگاه بین المللی امام خمینی



دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)
معاونت آموزشی دانشگاه - مدیریت تحصیلات تکمیلی

تعهد نامه اصالت پایان نامه

اینجانب ~~.....~~ دانشجوی رشته ~~.....~~ مقطع تحصیلی ~~.....~~ را بدین وسیله اصالت کلیه مطالب موجود در مباحث مطروحه در پایان نامه / تز تحصیلی خود، با عنوان ~~.....~~ را تأیید کرده، اعلام می نمایم که تمامی محتوی آن حاصل مطالعه، پژوهش و تدوین خودم بوده و به هیچ وجه رونویسی از پایان نامه و یا هیچ اثر یا منبع دیگری، اعم از داخلی، خارجی و یا بین المللی، نبوده و تعهد می نمایم در صورت اثبات عدم اصالت آن و یا احراز عدم صحت مفاد و یا لوازم این تعهد نامه در هر مرحله از مراحل منتهی به فارغ التحصیلی و یا پس از آن و یا تحصیل در مقاطع دیگر و یا اشتغال و ... دانشگاه حق دارد ضمن رد پایان نامه نسبت به لغو و ابطال مدرک تحصیلی مربوطه اقدام نماید. مضافاً اینکه کلیه مسئولیت ها و پیامدهای قانونی و یا خسارت وارده از هر حیث متوجه اینجانب می باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو

امضاء و تاریخ

مسعود دورانگرد

۹۰، ۱۲، ۱۴



دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)
 معاونت آموزشی - مدیریت تحصیلات تکمیلی

فرم شماره ۳۰

فرم تأییدیه هیأت داوران جلسه دفاع از پایان‌نامه / رساله

بدین وسیله گواهی میشود جلسه دفاعیه از پایان‌نامه کارشناسی ارشد / دکتری سید سعید روحانلو
 دانشجوی رشته فلسفه گرایش فلسفه تحت عنوان کنترل‌پذیری در فلسفه هایدگر
 در تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۵ در دانشگاه برگزار گردید و این پایان‌نامه با نمره ۱۸.۵ و درجه بسیارخوب مورد تأیید هیئت
 داوران قرار گرفت.

ردیف	سمت	نام و نام خانوادگی	مرتبه‌ی دانشگاهی	دانشگاه یا مؤسسه	امضا
۱	استاد راهنما	محمد حسن حدیدی	استاد	دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)	
۲	استاد مشاور	سید سعید روحانلو			
۳	داور خارج	بهرنگ عبدالکریمی	استادیار	دانشگاه آزاد اسلامی، تهران	
۴	داور داخل	علی‌نور حاجی‌محمدی	استاد		
۵	نماینده تحصیلات تکمیلی	علیرضا رزقانی	رئیس	دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)	

تقدیم بہ

استاد محترم جناب آقای دکتر محمد حسن حیدری

و

گروه فلسفہ دانشگاہ بین المللی امام خمینی

چکیده

بدون شک تکنولوژی مهمترین پدیده‌ی دوران جدید است. پدیده‌ای که نه تنها شکل و ساختار زندگی بشر معاصر را به طور بنیادین تغییر داده است، بلکه تأثیری به مراتب جدی‌تر در ساحت تفکر انسان مدرن داشته است. مارتین هایدگر به عنوان یکی از بزرگترین و تأثیرگذارترین فلاسفه‌ی معاصر، همواره توجه‌ای ویژه، به مسأله‌ی تکنولوژی داشته است. از نظر هایدگر ماهیت تکنولوژی مدرن یا گشتل، معادل با تعریف ابزاری از آن نیست، بلکه این ماهیت چیزی فراتر از هرگونه نگرش ابزاری و انسان محور نسبت به آن می‌باشد. مسأله‌ی ارتباط علوم دقیقه‌ی جدید با تکنولوژی از دیگر مسائل مورد توجه هایدگر است. به اعتقاد وی، ما در دورانی به سر می‌بریم که جهان برای انسان تبدیل به یک تصویر شده است. این تصویرگری که مبنای پایه‌ریزی علوم جدید است، بر اساس محاسبه‌گری، برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی شکل می‌گیرد. بنابراین گشتل که بنیاد آن همین محاسبه‌گری و برنامه‌ریزی است، از نظر وجودشناسانه نسبت به علوم دقیقه‌ی جدید متقدم است. از نظر هایدگر تکنولوژی مدرن به عنوان انکشاف حقیقت وجود، در زمینه و چارچوب به مراتب گسترده‌تری، نسبت به درک ابزاری از آن قابل درک است و آن فراموشی و وانهادگی وجود در قالب تفکر متافیزیکی است. به کلام دیگر تکنولوژی مدرن خط سیری است که ابتدای آن فراموشی وجود در هیئت تفکر متافیزیکی و انتهای آن تبلور نیست‌انگاری تکنولوژیک در قالب تکنولوژی سیاره‌ای است.

کلید واژگان:

هایدگر، تکنولوژی، گشتل، وجود

باتقدیر و تشکر فراوان از استاد کرامی جناب آقای دکتر

محمد حسن حیدری و استاد کرامی جناب آقای دکتر سید مسعود

سیف و دیگر اساتید گروه فلسفه دانشگاه بین المللی امام خمینی که

مراد انجام این تحقیق یاری نمودند.

فهرست مطالب

شماره صفحه	عنوان
۱	۱ کلیات
۲	۱-۱ مقدمه
۶	۲-۱ بیان مسأله
۶	۳-۱ فرضیه‌های تحقیق
۷	۴-۱ ضرورت انجام تحقیق
۷	۵-۱ روش تحقیق
۷	۶-۱ اهداف تحقیق
۸	۲ هایدگر، گذر از تفکر متقدم به تفکر متاخر
۹	۱-۲ درآمد
۱۲	۲-۲ پدیدارشناسی هرمنوتیکی
۱۲	۱-۲-۲ گسست از متافیزیک
۱۴	۲-۲-۲ پدیدارشناسی هوسرل
۱۷	۳-۲-۲ پدیدارشناسی هرمنوتیکی هایدگر
۲۵	۳-۲ مسأله‌ی حقیقت در اندیشه‌ی هایدگر
۲۵	۱-۳-۲ بیان مسأله
۲۶	۲-۳-۲ طرد نظریه سنتی حقیقت در تفکر هایدگر
۲۸	۳-۳-۲ حقیقت به مثابه آشکارگی و نتایج آن
۳۲	۴-۲ هایدگر و مسأله‌ی تفکر در دوران مدرن

شماره صفحه	عنوان
۳۲	۱-۴-۲ بیان مسأله
۳۴	۲-۴-۲ نقد هایدگر بر متافیزیک غربی بر مبنای اندیشه‌ی فریدریش نیچه
۳۸	۳-۴-۲ عقل سلیم و مسأله‌ی تفکر
۴۰	۳ هایدگر و علم
۴۱	۱-۳ درآمد
۴۴	۲-۳ تاریخ تحولات فیزیک جدید
۴۴	۱-۲-۳ شکل‌گیری فیزیک جدید در قرن هفدهم
۵۰	۲-۲-۳ فروپاشی پارادایم نیوتونی در اواخر قرن نوزدهم
۵۶	۳-۲-۳ شکل‌گیری نسبیت گرایی در فلسفه‌ی علم قرن بیستم
۶۱	۳-۳ عصر تصویر جهان
۶۱	۱-۳-۳ فیزیک و متافیزیک
۶۵	۲-۳-۳ بنیادهای ریاضیاتی فیزیک جدید
۶۹	۳-۳-۳ تحقیق‌پذیری ویژگی اساسی فیزیک جدید
۷۲	۴-۳-۳ عصر تصویر جهان چیست؟
۷۵	۴-۳ مقایسه‌ی آراء تامس کوهن و هایدگر در فلسفه‌ی علم
۷۵	۱-۴-۳ کوهن چه می‌گوید؟
۷۸	۲-۴-۳ عنصر تأویل در آراء کوهن و هایدگر
۸۱	۳-۵ علم و تکنولوژی

شماره صفحه	عنوان
۸۴	۴ هایدگر و تکنولوژی
۸۵	۱-۴ درآمد
۸۶	۲-۴ هنر و قرابت آن با تکنولوژی
۸۶	۱-۲-۴ بیان مسأله
۸۶	۲-۲-۴ برنهادی مرگ هنر در فلسفه‌ی هگل
۸۸	۳-۲-۴ نقد هایدگر بر زیبایی شناسی عصر جدید
۹۲	۴-۲-۴ هنر بزرگ به مثابه انکشاف حقیقت هستی
۹۸	۳-۴ پرسش از تکنولوژی
۹۸	۱-۳-۴ تکنولوژی و نگرش ابزاری
۱۰۴	۲-۳-۴ تکنولوژی و مسأله‌ی حقیقت
۱۱۱	۳-۳-۴ گشتل چیست؟
۱۱۶	۴-۳-۴ ماهیت تکنولوژی، نفس خطر و نیروی منجی
۱۲۸	۴-۴ نیست انگاری تکنولوژیک
۱۲۸	۱-۴-۴ پیشینه و زمینه‌ی نیست‌انگاری
۱۳۰	۲-۴-۴ نیست‌انگاری در اندیشه‌ی هایدگر
۱۳۲	۳-۴-۴ تکنولوژی سیاره‌ای به مثابه تبلور نیست‌انگاری
	تکنولوژیک
۱۳۶	* نتیجه
۱۴۰	* منابع و مأخذ

فهرست علائم و اختصارات

علامت اختصاری	معنی علامت اختصاری
G	آلمانی
F	فرانسوی
Gr	یونانی
L	لاتین

فصل اول

کلیات

۱-۱ مقدمه

در مورد تکنولوژی مدرن بسیار گفته‌اند و بسیار نوشته‌اند و شاید پر بیراه نباشد که عصر حاضر چنین بذل توجه وافر را به تکنولوژی می‌طلبد؛ چون به جرأت می‌توان گفت که مهمترین مشخصه‌ی تمایز عصر جدید از اعصار گذشته‌ی تاریخ بشر، همین تکنولوژی است. نه اینکه در دوران گذشته انسان یکسره با این مقوله بیگانه بوده باشد، انسان موجودی است ابزارساز و کاربرد ابزار بارزترین و روزمره‌ترین معنای واژه تکنولوژی است. اما آیا ابزار سازی و کاربرد آن یکتا معنی است که هنگام به کار بردن این واژه، به ذهن انسان خطور می‌کند؟ نه مسلماً این طور نیست و به همین دلیل، تکنولوژی دستمایه‌ی ژرف‌کاوی بزرگترین متفکران عصر جدید، از کارل مارکس گرفته تا تئودور آدرنو و مارتین هایدگر بوده است.

اصولاً چه مشخصه‌ای در تکنولوژی و به خصوص تکنولوژی عصر حاضر وجود دارد که آن را تا بدین حد در خور بذل توجه اندیشمندان و ژرف‌کاوی فیلسوفانه کرده است؟ پاسخ این سؤال به بهترین نحو در جمله‌ی قصار رابرت اوپنهایمر^۱ مدیر پروژه طرح مانهاتان^۲ در لوس آلاموس که وظیفه‌ی طرح‌ریزی و ساخت نخستین بمب اتمی را برعهده داشت مستتر است. وی در تاریکی سحرگاه شانزدهم ژوئیه ۱۹۴۵ روی شنزار کویری آلوماگوردو شاهد صحنه‌ی حیرت‌انگیز و تکان‌دهنده‌ی نخستین انفجار اتمی بود و ناخودآگاه به ذهنش آیاتی از کتاب مقدس هندو^۳ متبادر شد: "من مرگ شده‌ام، نابود کننده همه چیز"؛ پس این قدرت حیرت‌انگیز تکنولوژی مدرن است که آن را اینچنین مورد توجه همگان قرار داده است. (ریگدن، ۱۳۸۱، ص ۲۴۱)

^۱ Robert Oppenheimer

^۲ Manhattan project

^۳ Bhagavadgita

پرداختن به جوانب گوناگون مسأله‌ی تکنولوژی، از مهمترین دلمشغولی‌های مارتین هایدگر در دوران متأخر اندیشه‌ورزش بوده است. پرسش *از تکنولوژی*¹ عنوان خطابه‌ای است که در آن هایدگر مسائل اساسی خود را در واگشایی این مقوله روشن می‌سازد و روش خود را در تبیین موضوع تشریح می‌کند. وجه بارز تفکر هایدگر در باب تکنولوژی جدایی بنیادینش از هرگونه تعریف ابزار مدار و انسان محور از تکنولوژی است. هایدگر برای روشن سازی نسبت تکنولوژی با انسان بر این نظر است که تا ماهیت این امر بر انسان مکشوف نشود هرگونه اندیشه‌ورزی در این باره، گام در مسیر عبث برمی‌دارد. به همین دلیل وی برای مکشوف ساختن ماهیت تکنولوژی به ژرف‌کاوی در بنیاد این مفهوم در نزد یونانیان باستان می‌پردازد که این نوع برخورد به پرسشهای بنیادینی در برقراری نسبت حقیقی میان تکنولوژی و انسان می‌انجامد. رویکرد مهم دیگر هایدگر در بنای ساختار فلسفه‌اش درباره‌ی تکنولوژی، توجه وی به بنیادهای ماهوی علوم مدرن است و پرسش ژرفی که پیش می‌کشد، مسأله‌ی تقدم و تأخر تاریخی و وجودی تکنولوژی و علوم مدرن، در نسبت با یکدیگر است. ورود به این مبحث، مسائل پیچیده‌ای را در باب مبادی ساختاری علوم جدید، خصوصاً علم فیزیک به وجود می‌آورد که در وهله‌ی اول این پرسش را به میان می‌آورد که آیا نگاه هایدگر پاسخگوی مسائل بغرنج معرفتی که با ظهور دستگاه‌های نظری فیزیک نوین در سالهای اولیه قرن بیستم مطرح شد، می‌باشد. اصولاً آیا در فیزیک جدید فرض بر این است که طبیعت به عنوان دستگاه محاسبه پذیری است که دانشمند تئوریهایی علمی خود را از دل آن بیرون می‌کشد؟ پاسخ به این پرسش و پرسش‌های دیگر نیاز به ژرف‌کاوی و اندیشه‌ورزی در دل آثار جاودانه‌ی این فیلسوف بزرگ دارد که با اینکه برای همه پرسش‌ها پاسخ قاطعی ندارد، اما به طور قطع راه را برای دیدن مسائل از نگاهی نوین می‌گشاید.

¹ *The Question Concerning Technology*

خصیصه‌ی عمده‌ی علوم تجربی در عصر حاضر پیوستگی آن با تکنولوژی است. پیوستگی‌ای که هایدگر نیز به آن تأکید فراوان می‌کند. به اعتقاد هایدگر ویژگی اساسی و بنیاد رویکرد علمی به عالم، بُعد تکنولوژیکی آن است. آنچه پژوهش هایدگر را از دیگر پژوهش‌های موجود در این زمینه متمایز می‌کند، ارتباط مستقیمی است که از نظر وی بین تکنولوژی و تفکر متافیزیکی وجود دارد. در حقیقت هایدگر ظهور تکنولوژی در دوران مدرن را در امتداد وانهادگی وجود در قالب تفکر متافیزیکی می‌داند.

هایدگر برای انکشاف ماهیت تکنولوژی با استفاده از روش مشهور خود پدیدارشناسی هرمنوتیکی، تفسیری اعجاب‌انگیز از تاریخ فلسفه ارائه می‌دهد. از نظر هایدگر اندیشه‌های متفکران بزرگ تاریخ فلسفه، اندیشه‌هایی هنوز زنده‌اند و در کلیت گسترده‌تری به نام تفکر تکنولوژیکی شکلی جدید می‌یابند. بنابراین فلسفه‌ی تکنولوژی هایدگر در واقع رویکرد بدیعی است به تاریخ فلسفه.

فلسفه تکنولوژی چون پلی است که دو نگرش متفاوت و دو خاستگاه متمایز از فعالیت‌های بشری را به یکدیگر متصل می‌کند؛ از یک طرف تمدن تکنیکی ما که به نظر می‌رسد بدون تکنولوژی دیگر هیچ معنای درخوری در خود نمی‌یابد و دردم فرو می‌ریزد و از طرف دیگر بنیادهای اندیشه‌ورزی بشر که از آغاز شکل‌گیری خود در پی یافتن معنا برای وجوه مختلف زندگی انسان، بر این سیاره بوده است. در مورد مارتین هایدگر می‌توان گفت که وی واضع و انسجام‌بخشنده‌ی مبحثی است که به فلسفه‌ی تکنولوژی برای قرن بیستم شهرت یافته است و آثار او در این زمینه، مورد توجه بسیاری از مورخان و فلاسفه‌ی تکنولوژی بوده است. در این تحقیق سعی ما بر این است که وجوه مختلف این مسأله را در میان آثار متعدد این فیلسوف مورد بررسی قرار دهیم.

در این پایان‌نامه ما نخست روش‌شناسی هایدگر را مورد مطالعه قرار می‌دهیم. پدیدارشناسی هرمنوتیکی روشی است که هایدگر در طول فعالیت فکری خود و در همه‌ی آثارش پی‌می‌گیرد. در واقع پدیدارشناسی هرمنوتیکی عاملی است که اثبات می‌کند، هایدگر متأخر نیز در راستا و ادامه‌ی تفکر هایدگر متقدم گام برمی‌دارد. پدیدارشناسی هرمنوتیکی ما را مستقیماً به سوی نظریه‌ی حقیقت

هایدگر سوق می‌دهد. بدون شک فهم آثار هایدگر در پرتو فهم این نظریه امکان پذیر است؛ «حقیقت»^۱ چیست و چگونه خود را نمایان می‌کند؟ این پرسشی است که هایدگر، تمامی آثار خویش را بر مبنای پاسخ به آن پی‌می‌ریزد و نقد نظریه سنتی حقیقت؛ یعنی نظریه‌ی «مطابقت»^۲ بر این اساس پایه‌ریزی می‌شود. در ادامه ما به موضع هایدگر راجع به تفکر در دوران جدید خواهیم رسید؛ پرسش این است که آیا انسان در این دوران از موهبت اندیشه راستین برخوردار است یا خیر؟ هایدگر در پرتو پاسخ به این پرسش و از دریچه‌ی تفسیر اعجاب انگیز خود از اندیشه‌ی نیچه به نقد بنیادین تمدن تکنولوژیک و تفکر مبتنی بر سوژه محوری دوران مدرن می‌پردازد. در این فصل در کل نشان خواهیم داد که فهم تفکر دوران متأخر هایدگر در راستای روش‌شناسی و مفاهیمی که وی در اثر بزرگ خود یعنی هستی و زمان مطرح کرده بود، امکان پذیر است.

در فصل بعد به نظرگاه هایدگر راجع به علوم دقیقه‌ی جدید و ارتباط آن با تکنولوژی توجه خواهیم نمود. ما در ابتدا با شرح مختصر نقاط عطف تاریخ علم فیزیک، تلاش خواهیم کرد که تحلیلی از ساختار نگرش علمی عصر جدید ارائه دهیم و خواهیم دید تحولات به وقوع پیوسته در عرصه‌ی علم فیزیک؛ خصوصاً در سالهای آغازین سده‌ی بیستم، بیانگر ذهنیت‌گرایی نهفته در بطن این علوم است؛ که شاهد آن ظهور بینش‌های تأویلی در مورد علم، در سالهای اولیه‌ی قرن بیستم می‌باشد. در قسمت بعد با تمرکز به شاخص‌ترین متن هایدگر راجع به علوم جدید؛ یعنی مقاله‌ی عصر تصویر جهان به تحلیل نظریات وی در این باره می‌پردازیم. در واپسین قسمت این فصل نیز به مقایسه‌ی آراء هایدگر با تأثیرگذارترین فیلسوف علم سده‌ی بیستم؛ یعنی تامس کوهن خواهیم پرداخت و خواهیم دید که نظریات هایدگر شباهت‌های غیر قابل انکاری با فلسفه‌ی علم کوهن دارد.

¹ Truth

² Correspondence

در واپسین فصل این پایان‌نامه نیز با بررسی ابعاد مختلف مقاله-سخنرانی پرسش/از تکنولوژی هایدگر، به طور جامع به تحلیل نظریات وی در این باره خواهیم پرداخت.

۱-۲ بیان مسأله

همان طور که گفته شده روش هایدگر در مواجهه با مسأله تکنولوژی، روشی است متفاوت. هایدگر بر این نظر است که برای کشف ماهیت تکنولوژی مدرن، باید از هر نوع نگرش ابزاری نسبت به آن فرار رفت. در این تحقیق سعی ما بر این است که مرحله به مرحله و با استفاده از روش هایدگر به واکاوی مسأله‌ی تکنولوژی بپردازیم. در همین راستا ما در ابتدا با سه سؤال عمده روبرو هستیم که هر کدام را در فصل جداگانه‌ای مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱. آیا فلسفه‌ی تکنولوژی هایدگر در راستای روش‌شناسی‌ای است که وی در دوره‌ی اول

فعالیت فکری خود پی می‌ریزد؟

۲. آیا نظرگاه هایدگر در باب علم، در راستای فلسفه‌ی تکنولوژی وی قرار دارد؟

۳. آیا فلسفه‌ی تکنولوژی هایدگر با هستی‌شناسی او مطابقت دارد؟

۱-۳ فرضیه‌های تحقیق

۱. هایدگر در فلسفه‌ی تکنولوژی خود از همان روشی که در اثر شاخص دوره‌ی اول خود؛ یعنی

هستی و زمان پی می‌ریزد، استفاده می‌کند.

۲. نظرگاه هایدگر راجع به علم در راستای فلسفه‌ی تکنولوژی وی قرار دارد. چون هایدگر اساساً

علم مدرن را برخاسته از نگاه تکنولوژیک به عالم می‌داند.

۳. فلسفه تکنولوژی هایدگر دقیقاً در ذیل هستی‌شناسی او می‌گنجد.

۴-۱ ضرورت انجام تحقیق

در راستای پیشرفت تکنولوژی در عصر حاضر، ضرورت انجام تحقیق‌های نظری در این‌باره به صورت جدی احساس می‌شود. در کشور ما نیز علی‌رغم برداشته شدن گام‌های عملی بلندی در این رابطه، تحقیقات نظری جدی‌ای در مبحث تکنولوژی، خصوصاً فلسفه‌ی تکنولوژی صورت نپذیرفته است. از این رو به دلیل این کمبودها، نگارنده بر آن شد که پژوهش مفصلی در فلسفه‌ی تکنولوژی هایدگر که شاید معتبرترین و شناخته شده‌ترین فلسفه در این موضوع باشد به انجام رساند.

۵-۱ روش تحقیق

همان طور که می‌دانیم مسائل فلسفی را باید به روش تعقلی مورد بررسی قرار داد. بنابراین در این تحقیق هم برای بررسی ابعاد گوناگون این موضوع چاره‌ای جز مراجعه به آثار اندیشمندان بزرگ این حوزه خصوصاً آثار منتشر شده‌ی خود فیلسوف در دست نداشتیم.

۶-۱ اهداف تحقیق

- تشریح دیدگاه هایدگر در فلسفه‌ی تکنولوژی
- به دست آوردن قدرت درک بهتر از کلیت اندیشه‌ی هایدگر.

فصل دوم

هایدگر، گذر از تفکر متقدم به تفکر متاخر

۲-۱ درآمد

اکثریت قریب به اتفاق محققان و شارحان بزرگ هایدگر مراحل کار فکری او را به دو دوره تقسیم کرده‌اند: دوره‌ی نخست که از دوران ورود هایدگر به دانشگاه در سالهای اولیه قرن بیستم و کار با ادموند هوسرل آغاز می‌شود و با انتشار شاهکار بی بدیل وی یعنی هستی و زمان^۱ به اوج خود می‌رسد و دوره‌ی دوم که از اواسط دهه‌ی سی هایدگر با رویگردانی از یکی از پایه‌های اصلی فلسفه‌ی دوره‌ی اول خود؛ یعنی انکشاف معنای هستی بر مبنای تحلیل هستن انسان یا «دازاین»^۲ و با اتکاء به شعر و شاعری و تحلیل آثار هنری و به خصوص شعر شاعر بزرگ آلمان هولدرلین و فلسفه‌ی فریدریش نیچه سعی در انکشاف حقیقت هستی دارد. هستی و زمان از نظر بسیاری از صاحب‌نظران با وجود تحلیل‌های فوق‌العاده عمیق و پرمایه در مورد مسائل بنیادین هستی انسان همچون مرگ، اضطراب^۳ و از خود بیگانگی^۴، باز به سر منزل مقصود نمی‌رسد و آن کشف معنای وجود است، مسأله‌ای که هایدگر در ابتدای کتاب در قالب نقل قولی از رساله‌ی سوفسیت^۵ افلاطون چنین مطرح کرده بود: " زیرا آشکار است که شما از دیرباز وقتی لفظ هستنده را به کار می‌بردید با آنچه به راستی از این لفظ مراد می‌کنید آشنا بوده‌اید. لیکن ما که زمانی می‌پنداشتیم این لفظ را می‌فهمیم اکنون به مخمسه افتاده‌ایم." (به نقل از هایدگر، ۱۳۸۹، ص ۳)

¹ *Being and Time*

² Dasein (G)

³ Anxiety

⁴ Alienation

⁵ Sophsit